

۳ شیوه عمده برای خارج کردن آمریکا از زیر ضربه



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴۹۲ - سه شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰
مطابق ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵ دیال

امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی انقلاب ما، خلق ما، کشور ما، استقلال ما، آزادی ما، هستی ما، است. امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ما بوده و هست و خواهد بود. امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ما و همه خلفای جهان است. این واقعیت است و تکرار مکرر این واقعیت نه فقط زائد نیست، بلکه لازم و ضرور است، زیرا با تکرار این واقعیت، با توضیح هر چه وسیعتر و عمیقتر مفهوم آن در بین توده‌های میلیونی خلق، با تشریح این حقیقت که مسبب اصلی مصائبی که در دوران رژیم دست‌نشانده پهلوی بر سر خلق ما آمده، آمریکا بوده و منشاء اصلی دشواریهای بزرگ و کوچک که اکنون خلق ما دچار آنست، از آمریکا است، با تشریح این سخن امام خمینی که «تمام گرفتاریهای ما از آمریکا است»، با انشای کامل آمریکا بعنوان دشمن اصلی خلق ما، خلفای منطقه و خلفای همه کشورهای جهان، میتوان نیروی عظیم و بی‌پایان خلق قهرمان و اینترگر ایران عزیز را برای مبارزه در راه تئبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، در راه غلبه بر مشکلات، در راه دستگیری به پیروزیهای قطعی و نهایی انقلاب، در راه نوسازی کشور، در راه ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد، که در آن زندگانی

اقتشای این شیوه‌ها، برای هدایت انقلاب در «شماره اصلی» و جلوگیری از غلطی‌ها در میراها و سرمایه و طبقه همه نیروهای انقلابی است.

از نعمات مادی و معنوی، از یک زندگی انسانی برخوردار باشند، بسج کرد. کلید موفقیت و پیروزی در جبهه نبرد سرنوشت‌سازی که در برابر پیشه در صنف ۲

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به یاسر عرفات

بمناسبت انتخاب مجدد وی به ریاست کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

دست‌گرم ارجمند یاسر - خود علیه امپریالیسم و صهیونیسم عرفات! و ارتجاع منطقه، پس‌گردگی توده ایران، انتخاب دوباره شما را به ریاست کمیته مرکزی حزب سازمان آزادیبخش فلسطین؟ صمیمانه شادباش میگویم. اجلاس «شورای ملی فلسطین» در دمشق بار دیگر بنیوت‌رسانید که جنبش مقاومت فلسطین، با شناخت درست‌تر دشمنان و دوستان بین‌المللی انقلاب فلسطین، بیش از پیش عزم آن دارد، تا به‌یکبار

نیز مخالفت قاطع خود را با هرگونه راحل مجسداگانه، و دسیسه خودمختاری اعلام می‌داریم و از مبارزه شما در راه دستیابی به حقوق حقه خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت خویش و تشکیل حکومت مستقل فلسطینی، کاملاً پشتیبانی میکنیم. موفقیت‌های بیشتر سازمان آزادیبخش فلسطین، و شخص شما را در این مبارزه آرزو نمیدیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

امریکا پاکستان را مسلح میکند

تسلیح پاکستان توسط آمریکا و متحدان و دست‌نشانده‌گانش، قبل از همه علیه انقلاب ایران و افغانستان است. در برابر جبهه متحد ضد انقلاب در خاورمیانه، باید جبهه متحد انقلاب را از ایران و افغانستان و کشورهای عضو جبهه پایداری و تمام جنبشهای انقلابی و دول مترقی در منطقه بوجود آورد.

و تسلیحات بیشتری برای پاکستان بکشد. وی هنگام زیمیت به واشنگتن، در فرودگاه گراچی به خبرنگاران گفت که در مذاکراتی پارجران آمریکا تقاضا خواهد کرد که آمریکا مقادیری بیش از سابق اسلحه به پاکستان بدهد. تردیدی نیست که آمریکا تقاضای این تقاضا را با روی گشاده خواهند پذیرفت، بخصوص اگر اعتبارات عربستان سعودی پشتوانه مالی این تقاضا باشد.

خبرگزاریها اطلاع دادند که آقایان وزیر امور خارجه پاکستان، بسوی واشنگتن روانه شد. سفر وی بسوی قبه ارتجاع جهانی هندی جز توطئه بر ضد

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

بمناسبت سر و پنجمین سالگرد پایه‌گذاری حزب سوسیالیست متحد آلمان رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران سی و پنجمین سالگرد پایه‌گذاری حزب سوسیالیست متحد آلمان را به شما و از طریق شما، به همه اعضای حزب پراختیاران و زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه شادباش میگوید. حزب سوسیالیست متحد آلمان، که در آوریل ۱۹۴۶ برپایه وحدت «حزب کمونیست آلمان» و «حزب سوسیال دموکرات آلمان» پایه‌گذاری شد، نتیجه منطقی پیروزی جهانشمول و تاریخی بر فاشیسم بود، که اتحاد شوروی در آن نقش تعیین‌کننده را داشت. این رویداد سترگ همچنین واکنش پرازنده در برابر دسی بود که جنبش کارگری آلمان از پیامدهای خائنانه‌سوز تفرقه امپریالیسم و اپورتونیزم آفریده در صفوف خود فراآموخته بود. تنها امپریالیسم و اپورتونیزم بود که از این تفرقه‌دیرینه و دردناک در میان طبقه کارگر سود می‌برد.

کنگره وحدت برلین، در سال ۱۹۴۶، که در آن وحدت طبقه کارگر، بر پایه انقلابی، برقرار شد، چرخشی بزرگ در تاریخ خلق و زحمتکشان آلمان پدید آورد. «حزب سوسیالیست متحد آلمان»، در دهه‌های اخیر خلق جمهوری دموکراتیک آلمان را از سرزمینی ویران به کشور سوسیالیستی شکوفا رکشتا و رهبر بوده است. کنگره دهم حزب سوسیالیست متحد آلمان، که چند روز پیش در پایتخت کشور شما پایان یافت، از یکسودستاردهای چشمگیر جمهوری دموکراتیک آلمان را در همه گستره‌های زندگی اجتماعی نشان داد و از سوی دیگر نمایانگر هبستگی و پیوند نزدیک حزب شما با زحمتکشان و همه خلق جمهوری دموکراتیک آلمان بود. ما با این جشن فرخنده را بار دیگر به شما صمیمانه شادباش میکنیم و پیروزیهای پیش خلق و زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان را، برهبری «حزب سوسیالیست متحد آلمان» آرزو نمیدیم.

با درودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

کارگران و زحمتکشان ایران! جشن اول ماه مه را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنید

● در روز بزرگ اول ماه مه، خاطره جساودانه شهدای انقلاب و جنگ علیه تجاوزگران صدامی، مبارزان راه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و جهان را گرامی می‌داریم. خاطره میلیونها و میلیونها شهید و شکنجه‌دیده و زجرکشیده را دفاع از حقوق زحمتکشان در سراسر جهان را گرامی می‌داریم و به همه کسانی که در سراسر جهان در این راه مبارزه می‌کنند، درود می‌فرستیم.

درد گرم و پرشور ما به همه رزمندگان قهرمان جبهه‌های جنگند در جنوب و غرب کشور، که در دفاع از میهن انقلابی، حماسه می‌آفرینند و زمینه‌ساز تثبیت، تحکیم و تعمیم انقلاب بسود توده‌های معلوم و زحمتکشانند.

افتخار به پرسولتاریای آبادان، خونین‌شهر، اهواز و دزفول و دیگر زحمتکشان شهرهای خط پیشین جبهه جنگ، که با ایزاز قهرمانی، در کنار برادران خود در نیروهای مسلح، عزم و اراده طبقه کارگر و هم‌زحمتکشان ایران را در دفاع از دستاوردهای انقلاب به شایسته‌ترین وجه به‌نمایش گذاشته و می‌گذارند.

سیاس بیگران به مردم زحمتکشان ایران در سراسر کشور، که با تلاش شبانه‌روزی خود در پشت جبهه، مواضع اقتصادی، نظامی و سیاسی میهن را تقویت می‌کنند، از انقلاب عظیم و شکوهمند خود

(از پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه)

انبار بزرگ مهمات تجاوزگران صدامی به آتش کشیده شد

نبرد دلیرانه رزمندگان قهرمان ایران در سراسر جبهه‌های جنگ علیه تجاوزگران صدامی ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اعلامیه شماره ۴۷۳، خلاصه‌ای از رویدادها و عملیات نیروهای قهرمان ایران را منتشر کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است: جبهه‌های جنوب قهرمانان چاب‌برگ ما در دروز جاری در عملیات تهاجمی بر علیه قوای دشمن هفت تا یکم، دوخودرو و یک انبار مهمات دشمن را در منطقه کرخه‌ناورد کردند. در این نبرد دویاروی غربات مهلکی به متجاوزان وارد شد از جمله بیش از یکصد نفر از سربازان عراقی به هلاکت رسیدند و پنجاه تن از افراد فریب‌خورده صدام به اسارت درآمدند. روز گذشته نیز در اثر اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی بر روی مواضع دشمن در همین جبهه تلفات و خسارات قابل توجهی در صنف ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آمریکای پاکستان را...

پتی از صفحه ۱

و هر دو طرف برای نگاهداری این حلقه میگویند. حفظ «نیات» در پاکستان، همان نیاتی که شاه ملعون در ایران برقرار کرده بود، چمبرسین هدف سیاستهای امپریالیستی-مائوئیستی در منطقه است.

آمریکائیا تمهید کرده اند تا حدود یک میلیارد دلار سلاح به پاکستان بدهند. چینیها نیز، به اعتراف ضیاعالحق، برای پاکستان حساب نامحدود باز کرده اند. عربستان سعودی همزمان صدها میلیون دلار بمونان کرکمان به «مبارزه» افغانی به پاکستان میبخشد.

همزمان با سفر آقایان واشنگتن، تاجر نخست وزیر انگلستان نیز به ریاض رفت، که در چند روز این کشور برای تقاضی که هر یک از این دولتها بر ضد جنبشهای انقلابی بایدهمده میکنند با مقامات عربستان سعودی گفتگو کرد و توطئه های ضد انقلابی را در منطقه هماهنگ سازد.

پسندینان واشنگتن، لندن، پاریس، تل آویو، قاهره، ریاض، در آن کشور نیز بغداد و یکن همه دست بدمت هم داده میخوانند. شکافی را که در سیستم مایه داری جهانی، پس از انقلاب ایران در افغانستان در این منطقه بوجود آمده است، بوسیله پاکستان و دولت های مترجم عرب پر کنند. تلاش امپریالیسم برای تشکیل یک پیمان ضدانقلابی و تجاوز کارانه بدین سون و مدله ایجاد پیمان سنتو، یا شدت ادامه دارد.

پاکستان - حلقه ضعیف امپریالیسم در منطقه

امپریالیستها، بسرکردگی آمریکا و همچنین برتری جهانی چینی میخوانند خیال خود ساز تکرار واقعه سقوط شاه ملعون جلوگیری کنند، زیرا وضع در پاکستان بسیار جرات نظیر ایران است. سرمایه های خارجی در آن کشور نیز مانند ایران امرهای اصلی اقتصاد را در دست دارند. دیکتاتوری ضیاعالحق، عینا مانند دیکتاتوری شامملون، آزادی را از همه کس سلب کرده است. این دیکتاتوری بخصوص از آنچه چونقدرت و نفرت انگیز است که بنام «اسلام» انجام میگردد. علاوه بر این، وضع اقتصادی پاکستان بمراتب از ایران شانتشاه، که درآمد نفت به فریادش میرسد، وخیرتر است. فاصله بین فقر و ثروت پیوسته در پاکستان افزایش مییابد. خلاصه آنکه پاکستان، پس از ایران، ضعیف ترین حلقه سیستم سرمایه داری جهانی در این منطقه است و اگر این حلقه نیز شکستد، کارامپریالیست زار است و کار دولتی مترجم عرب منطقه از آنهم زارتر.

درک خطری که از این ناحیه متوجه دولتهای امپریالیستی غربی نفت و مملوگ شیوخ مترجم عرب است، این سوخته دلان را کرد هم آورده است. سرگروهان رژیم ضیاعالحق در عین حال یکنازیم سیاسی برای برتری جهانی چینی است. که میخوانند از پاکستان بمونان پایگاه علیه هند و ایران و افغانستان و اقتصاد شوروی استفاده کنند. پاکستان بدلیل

۳ شیوه عمده...

پتی از صفحه ۱

واستکراهیست به امپریالیسم جهانی میخواند بهترین محل سیاستهای ضد شوروی برتری جوان چینی باشد. هر رژیم که در آن نمایندگان سرمایه داری وابسته حکومت را در دست دارند، ناگزیر ضد شوروی خواهد داشت، زیرا چنین رژیم نمیتواند سیاستی جز سیاست امپریالیسم حاکم، که این وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی بر آن تحمیل کرده است، در پیش بگیرد. ایران شانتشاه چینی بود و پاکستان نیز چنین است.

انقلاب افغانستان و انقلاب ایران بحران سرمایه داری وابسته و خط انفجار انقلابی در پاکستان را تشدید کرد. قبلا پاکستان، عربستان سعودی و ایران شانتشاه با همکاری امریکائیکه و انگلیسیها و چینیها و عربهای وسیعی برای رویارویی با انقلاب افغانستان و محاصره آن تهیه کرده بودند. انقلاب ایران یکی از حلقه های اصلی این توطئه ها در درهم شکست، اما سایرین دنباله کار را رها نکردند و با استفاده از خرابکارهایی که بدست عمال خود در افغانستان بوجود آوردند، در آسویهای داخلی در آن کشور دامن زدن، امپریالیست های امریکائی و انگلیسی با همکاری برتری جهانی چینی و رژیمهای دست نشانده خردشان در منطقه، هزاران نفر را مسلح کردند و به افغانستان فرستادند. پاکستان پایگاه اصلی این توطئه ضد انقلابی بود و هست. توطئه ضد انقلابی علیه افغانستان به کمک اتحاد شوروی خشی شد. تلاش امپریالیسم برای روی کار آوردن یک حکومت «اسلامی» از نوع حکومت ضیاعالحق در افغانستان، با ناگامی دوربر گرفت. اوضاع افغانستان وز بروز نیات بیشتری مییابد و همزمان با عقیم ماندن توطئه امپریالیسم در افغانستان، بحران داخلی پاکستان اوج میگیرد.

تلاش امپریالیست ها برای «نجات» پاکستان

امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و متحدان چینی و آنها برای سد کردن راه ایس بحران به تلاش افتاده اند و مانند همیشه رامحل بحرانهای سیاسی و اجتماعی را در سرکوب مخالفان جستجو میکنند. سرکوب نیز به سلاح نیاز دارد و هر قدر نیروهای مخالف با رژیم بیشتر باشند، نیاز به سلاح هم بیشتر است. بخش کوچکی از این هزینه ها را امپریالیست ها میدهند. اما مابقی آن را از چه راه میتوان بدست آورد؟ چگونه میتوان خلقی سر به نه و گرسنه چون خلق پاکستان را آوار ساخت، که از شکم خود ببرد و به ضیاعالحق بسرای نگاهداری یک اذیت فیرومنه پول بدهد. البته نمیتوان مردم گفت که این پولها بسود سیاست امپریالیسم و برای حفظ رژیم سرمایه داری وابسته در پاکستان صرف خواهد شد. ضیاعالحق چگونه میتواند خیانت آشکار و امریکا و انگلیس و برتری جوان چینی و ترجمین عرب را در برابر مردم مترجم کند؟ بهین دلیل نیز وی همه این خیانت ها را زیر پرده «اسلام» میپوشاند.

بهر نظرنداری از امریکای زبان بکشایند، و لذا به شیوه های مختلف از خود را تقییب میکنند، و شیوه های سه گانه زیرین، عمده ترین آنها - شیوه نخست حادثه سازی، بزرگ کردن مسائل فرعی، ایجاد تنش، ناامنی و فضای مساعد برای دامن زدن به این مسائل است. حذب این شیوه، که برترکبا و طرق گوناگون بکار بسته میشود به خود مشغول کردن نیروهای انقلابی، انحراف توجه مردم از امریکای است. این شیوه کار بسیار مؤثری است که نیروهای کم تجربه دمام آن می افتند و لذا وظیفه انقلابی نیروهای مجرب سیاسی است که این شیوه عمل را، به ریاضی جلوه گر شود، افشا کنند و پس انتشارگری مداوم اشکال مختلف آن، هتیاری مردم را در سطح عالی نگاهدارند، تا سمت اصلی مبارزه - مبارزه علیه امپریالیسم امریکا را نکند.

شیوه دوم دامن زدن و بهره برداری از افسانه «مخل کونویس» و «مخل شوروی» است. این «مخل» موهوم اختراع دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم است، که افسانه آن از فرادی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و ناپسین دولت شوروی تا سقوط رژیم شاهنشاهی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، یکپس و با هر رنگ و نیرنگ، بگوش مردم ما (و همه دیگر خلقهای جهان) خوانده شده است.

در دوران رضاخان - این عامل سرسپرده انگلستان - «بلشویک» که انقلابی ایتارگر ازجانب گذشته های در راه زحمتکشان ستم دیده و غارت شده بود، جانوری معرفی شده بود هر چه مردم طلب، رانخواز، ظالم، شقی و سفاک، که پستان زنان را میبرد، سرکودکان را به دیوار میکوبد، هندوئیست مردم را به بیگانه میزند و میکشد و غارت میکند. «بلشویک» بدترین دشمنای بود. و شوروی، طبق این افسانه، دولتی بود تجاوزگر، اشاکگر، توسعه طلب و استعمارگر. بدتر از دولت امپریالیستی تزاری، که همواره میخواست سیل آسما به کشور ما سرازیر شود، و بدتر از قتلون مغول ایران را در معرض تاخت و تاز قرار دهد.

تبلیغات درباره «مخل کونویس» و «مخل شوروی» در دوران محمدرضا - این عامل سرسپرده امریکا - نیز ادامه یافت. «کونویس» اختراعی این تبلیغات، زن را اشتراکی میکند، خانه مردم را میکوبد، بیرزمان و بیرمردان را به هادی اشتراکی کودکان را «دولتی» میکند، قاجاریست بدتر از طاغوت و اقتضیان و سیل و زلزله، و شوروی دولتی است که چنین قاجاری را میخواند بر همه خلقها و سراسر جهان به زور سلطه تحمیل کند.

باید افکار کرد که این تبلیغات درازمدت، ضمن بستن راه مسافرت مردم به شوروی، در بخش بزرگی از مردم ما قائلانی بجا گذارده است، لاقال درخورد سوسطن نسبت به اتحاد شوروی، همین «سوعنه» است، که برزخود دستور داد باید دامن زدن، از راه مسلط سیاست دولت ایران از تفکک داد، بدین وسیله باعث تیرگی شوروی جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی شد، تا به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران پایان داده شود و «رژیم خمینی» تضعیف و ضربه پذیر گردد.

چایگزین کردن «مخل» موهوم کونویس و شوروی با خطر واقعی امپریالیسم هار و غارتگر امریکای گرچه روز بروز در شکست بیشتری دچار میشود ولی هنوز یکی از عمده ترین شیوه عمل تبلیغاتی - سیاسی امریکای برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. بر کلیه نیروهای صدیق و آگاه انقلابی است که با انتشارگری نام و تمام این شیوه عمل ضدانقلابی، امپریالیسم امریکا را از ادامه بکار بستن آن بیگانه مایوس کنند.

شیوه سوم باصلاح نظریفت و بطورنسی تازه تر است. این شیوه که در حدود ۲۰ سال پیش، در زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم اختراع شده است، در زلف میکوبد که امریکا بدون دولتی سلطه جو و غارتگر تاحدود زیادی ازسوی خلقها به تجربه شناخته شده و روند شناخت از ادامه حقیقت داشت. پس باید دروغ «مخل شوروی» و «مخل کونویس» همراه با حقیقت نسبتا شناخته شده خطر امریکا را یکبار عرضه کرد، تا آن دروغ قابل پذیرش گردد. ازسوی دیگر، این شیوه نظریفت و تازه تر تبلیغاتی - سیاسی امریکا در زلف میکوبد که آن نیرویی که بتواند سرمایه داری امپریالیستی را از طریق ارائه نکش سوسیالیستی و از طریق حمایت از جنبشهای انقلابی و آزادی بخش ضد امپریالیستی خلقهای جهان ازباز آورد، جامعه کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی است. پس باید این نیروی پشتیبان نبرد نجات بخش خلقها را نوعی امپریالیسم، اتحاد شوروی را چیزی شبیه به امریکا، معرفی کرد. حاصل این «مطالعه»، اختراع نظریه «دو برابر قدرت» شد، که نوعی تقسیم بی آبروی، تراشیدن سرمایه جرم برای امپریالیسم بسرکردگی امریکای بهسند تخفیف مبارزه ضد امپریالیستی خلقها، جدا کردن جنبشهای انقلابی و راهبختی از متحد طبیعی آنها و بدین وسیله، ایجاد امکان سرکوب انقلابی، جنبشهای استقلال طلبانه، ایجاد امکان دوام سلطه نواستعماری امپریالیسم بسرکردگی امریکای بود. (مائوئیستیها خائن چینی، چنانکه میدانیم، برای این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امپریالیسم، توری سمجها را ساختند).

بعد از انقلاب ضد امپریالیستی و رهائی بخش مردم ایران، این شیوه تبلیغاتی - سیاسی معرفی دوبار قدرت، بعنوان قدرتهای مشابه یکدیگر، مورد استفاده قرار گرفت و باید افکار کرد که تاحدودی نیز، بر مبنای عدم شناخت سوسیالیسم و اتحاد شوروی ازسوی بخش بزرگی از مردم ایران، موهوم سیاست، بازمانده های تأثیر این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امپریالیستی هنوز هم مشاهده میشود. بر همه نیروهای صدیق و آگاه انقلابی است که در افشای این شیوه تبلیغاتی - سیاسی امپریالیستی نیز بکوشند، تا انقلاب ایران بهتر و بیشتر جبهه ضد امپریالیستی جهانی را بشناسد، از حمایت طبیعی آن برخوردار شود، تمام نیروی خود را علیه امپریالیسم بسرکردگی امریکا - دشمن اصلی، واقعی و خطرناک انقلاب و جمهوری اهلایم ایران بکار بندد، بدون انحراف و تاز به مبارزه با شیطان بزرگ، راه دستیابی به پیروزی قطعی و نهایی انقلاب را ببیماید.

خبات ضیاعالحق رنگ «اسلام»

بخود میکوبد. همکاری او بسا امپریالیسم و گرفتن سلاح از آنها برای فاع از «اسلام» در برابر دولت و تکرار هند است. سیاست ضد شوروی او مبارزه با «اسلام» بر ضد فکر و الحاد جهانی است. او بخاطر «اسلام» به اهرزنان افغانی برای آنتن زدن مدارس و کنتار زنان و کودکان سلاح میدهد. همین «اسلام» است که ضیاعالحق و ملکشاد و سایر مرجعان منطقه را در کنار هم و همه آنها را زیر سرپوش امپریالیسم، بسرکردگی امریکا، قرار میدهد. «اسلام» ضیاعالحق با اسلام انقلابی فرستاده ناصله دارد. اقتضای به ناسی «اسلام» از همین «اسلام» ضیاعالحق برای توطئه بسرشد کشورها، و جنبشهای انقلابی منطقه به واشنگتن میروند و برای کمک به تقویت همین «اسلام» است که هیگ، کریونگن تاجر دیگر مقامات بلندپایه دولتهای امپریالیستی بی دردی به عربستان سعودی و شیخنشینها و پاکستان و سایر دولتهای مترجم منطقه در رفت و آمدند.

باید برای مقابله با توطئه امپریالیسم در پاکستان آماده بود

پاکستان بمونان یک حلقه واسطه بین امپریالیسم، رژیمهای مترجم منطقه و برتری جوان چینی نقش تخریبی فوق العاده خطرناکی را بعهده گرفته است. اکنون پاکستان یکی از مراکز توطئه های ضد انقلابی در منطقه است. نقش تخریبی پاکستان در منطقه بخصوص بدلیل دعوی «اسلامیت»

پارهای از ریشه‌ها و عمل نا آرامی و درگیری در «کفش ملی»

است. در حال حاضر دست و پال هیات مدیره و ارباب پذیرش خواست‌های برحق کارگران بیستاست.

در این شرایط، چنانچه مسائل و مشکلات موجود در محیط حساس ما به ما کامل و با همفکری و مشارکت شورای کارکنان با کارگران در میان گذاشته شود و اگر کارگران، که به مصداق ضرب المثل "مارگزیده از ریمان سیاه" سفید می‌ترسند، هنوز تردید هستند، نسبت به صداقت و حسن نیت هیات جدید اطمینان پیدا کنند و مطمئن شوند که در شرایط بد دوران کنونی، انقلابی و تحمل مشکلات مادی تنها از آنها خواستنی است، و عدالت و انصاف شامل مدیران نیز می‌گردد، و چنانچه تصمیمات انقلابی در مورد تعیین تکلیف قوامی مالکیت گروه و پاکسازی عوامل ناپاک اتخاذ شود، مطمئن وقایع اسفبار گذشته تکرار نخواهد شد.

مدیره سابق، همچنان بر سر مشاغل حساس باقی ماندند، با همکاری و استگنان ساواک و مدیران بی‌صلاحیتی که توسط هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان به کارگمارده شدند، از هیچگونه کارکنی و اخلاص در امر سازشی و سالم سازی گروه صنعتی کفش ملی خودداری نکردند.

هیات مدیره سابق (که از کارگران مهندس هسته‌های عضو مؤثر ساواک منحل و رئیس سابق سازمان صنایع ملی بودند) علیرغم اعتراض‌های مکرر کارگران انقلابی کفش ملی، از هرگونه اقدام انقلابی در جهت پاکسازی گروه خودداری کردند و با روش‌های نیرنگی و سازشکارانه خود سعی داشتند آب رفته را بجوی بازگردانند. این واحد عظیم صنعتی را کماکان به همان سنک و روش سرمایه‌دار فراری اداره کنند.

در سپهر ماه گذشته، در پی اعتراض‌های مکرر کارکنان اسلامی و شوراهای اسلامی کارکنان گروه کفش ملی، "سازمان صنایع ملی" نسبت به تعویض هیات مدیره سابق اقدام کرد و هیات مدیره جدیدی را به کارگمارشت. از همان ابتدای انتصاب هیات مدیره جدید، مدیران لیبرال گروه و استگنان ابروانی، که موقعیت خود را شدیداً در خطر می‌دیدند، به تکیه بر افتادگی و با استفاده از جو نا رضایتی و بدبینی کارکنان، کمابیش از عملکرد غیر انقلابی هیات مدیره سابق استقامت، با استفاده از عوامل شناخته خود، سعی در تحریک کارکنان برداشتند.

در این میان عوامل گروهک های مائوئیستی و بعضی از عناصر فریب خورده و گمراه، که نادانسته با به آسب دشمن می‌ریزند، مطابق معمول آتش سارمهر که شدند و به نقشه‌های موم عوامل ضد انقلاب، که به نهایت جهت اجرای توطئه هفتم شیطان بزرگ آمریکای جاسپیکار است، کمک‌های فراوان کردند.

متأسفانه انعطاف ناپذیری هیات مدیره جدید و عدم اطلاع آنها از نقشه‌های پشت پرده عوامل ضد انقلاب باعث جبهه‌گیری شدید آنان و نهایت امر رویارویی با کارگران و شورای نمایندگان کارکنان کفش ملی شد.

هر چند بسیاری از خواست‌های کارگران مثل افزایش میزان سودویزه، حق سختی کار، حقوق ایام بیماری و غیره، مخصوصاً با توجه به افزایش شدید هزینه زندگی، قابل توجه است، لیکن این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که در بسیاری از موارد فقدان مجوز قانونی و همچنین مشکلات مالی ناشی از وضعیت خاص کشور و کاهش تولید و ناسامانی مالی گروه، کمابیش از کارکنی‌های سرمایه‌داران و عوامل وابسته به آنها

در سپهر ماه گذشته، در پی اعتراض‌های مکرر کارکنان اسلامی و شوراهای اسلامی کارکنان گروه کفش ملی، "سازمان صنایع ملی" نسبت به تعویض هیات مدیره سابق اقدام کرد و هیات مدیره جدیدی را به کارگمارشت. از همان ابتدای انتصاب هیات مدیره جدید، مدیران لیبرال گروه و استگنان ابروانی، که موقعیت خود را شدیداً در خطر می‌دیدند، به تکیه بر افتادگی و با استفاده از جو نا رضایتی و بدبینی کارکنان، کمابیش از عملکرد غیر انقلابی هیات مدیره سابق استقامت، با استفاده از عوامل شناخته خود، سعی در تحریک کارکنان برداشتند.

در این میان عوامل گروهک های مائوئیستی و بعضی از عناصر فریب خورده و گمراه، که نادانسته با به آسب دشمن می‌ریزند، مطابق معمول آتش سارمهر که شدند و به نقشه‌های موم عوامل ضد انقلاب، که به نهایت جهت اجرای توطئه هفتم شیطان بزرگ آمریکای جاسپیکار است، کمک‌های فراوان کردند.

مدیره سابق، همچنان بر سر مشاغل حساس باقی ماندند، با همکاری و استگنان ساواک و مدیران بی‌صلاحیتی که توسط هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان به کارگمارده شدند، از هیچگونه کارکنی و اخلاص در امر سازشی و سالم سازی گروه صنعتی کفش ملی خودداری نکردند.

هیات مدیره سابق (که از کارگران مهندس هسته‌های عضو مؤثر ساواک منحل و رئیس سابق سازمان صنایع ملی بودند) علیرغم اعتراض‌های مکرر کارگران انقلابی کفش ملی، از هرگونه اقدام انقلابی در جهت پاکسازی گروه خودداری کردند و با روش‌های نیرنگی و سازشکارانه خود سعی داشتند آب رفته را بجوی بازگردانند. این واحد عظیم صنعتی را کماکان به همان سنک و روش سرمایه‌دار فراری اداره کنند.

بشورت و همفکری در اداره امور کارخانه‌ها با شورای کارکنان، عـخـراج عـوامـل وابسته به ابروانی و ساواک منحل، انجام اقدامات رضایی جهت فعال کردن شرکت تعاونی، مهـد کودک و ورزش‌های کارکنان، انجام تسهیلات لازم جهت امور درمانی و بهداشتی کارکنان، انجام اقدامات انجام شده جهت طبقه‌بندی مشاغل، تعیین تکلیف قطعی مالکیت گروه صنعتی ملی و خلع و ید کامل از کلیه سهامداران سابق.

متأسفانه انعطاف ناپذیری هیات مدیره جدید و عدم اطلاع آنها از نقشه‌های پشت پرده عوامل ضد انقلاب باعث جبهه‌گیری شدید آنان و نهایت امر رویارویی با کارگران و شورای نمایندگان کارکنان کفش ملی شد.

هر چند بسیاری از خواست‌های کارگران مثل افزایش میزان سودویزه، حق سختی کار، حقوق ایام بیماری و غیره، مخصوصاً با توجه به افزایش شدید هزینه زندگی، قابل توجه است، لیکن این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که در بسیاری از موارد فقدان مجوز قانونی و همچنین مشکلات مالی ناشی از وضعیت خاص کشور و کاهش تولید و ناسامانی مالی گروه، کمابیش از کارکنی‌های سرمایه‌داران و عوامل وابسته به آنها

مدیره سابق، همچنان بر سر مشاغل حساس باقی ماندند، با همکاری و استگنان ساواک و مدیران بی‌صلاحیتی که توسط هیات مدیره سابق با حقوق‌های کلان به کارگمارده شدند، از هیچگونه کارکنی و اخلاص در امر سازشی و سالم سازی گروه صنعتی کفش ملی خودداری نکردند.

هیات مدیره سابق (که از کارگران مهندس هسته‌های عضو مؤثر ساواک منحل و رئیس سابق سازمان صنایع ملی بودند) علیرغم اعتراض‌های مکرر کارگران انقلابی کفش ملی، از هرگونه اقدام انقلابی در جهت پاکسازی گروه خودداری کردند و با روش‌های نیرنگی و سازشکارانه خود سعی داشتند آب رفته را بجوی بازگردانند. این واحد عظیم صنعتی را کماکان به همان سنک و روش سرمایه‌دار فراری اداره کنند.

برای جانفشانی در راه انقلاب کارگران شرکت ساختمانی «ویلیام بهرا» فقط حقوق ماهیانه خود را می‌خواهند!

شرکت ساختمانی "ویلیام بهرا" واقع در سرپندر، حدود هفت سال پیش ایجاد شد. در این شرکت حدود صد نفر پنجاه نفر کار می‌کنند. سهام شرکت متعلق به دوسرماه‌دار بزرگ است، که در تهران بسر می‌برد. کلیه کارهای اداری و خدماتی شرکت به یک نفر واگذار شده است.

از آغاز فعالیت این شرکت تا به امروز، نه تنها هیچگونه مزایا، از قبیل اضافه‌کار، جمع‌کاری، و اضافه دستمزد به کارگران پرداخت نشده، بلکه از آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران، حقوق ثابت کارگران نیز پرداخت نشده است. کارگران قبل و بعد از جنگ بارها برای دست آوردن حقوق خویش به ادارات شهرستان - سازمان مسکن و اداره کار استان مراجعه کرده‌اند. کارگران می‌گویند:

"متأسفانه، به جز مواد استثنایی، توجه لازم به خواست‌های مانده است. برای نمونه مسئول سازمان مسکن در جواب نماینده ما که می‌گفت: "ما حقوق پرداخت نشده خود را مطالبه می‌کنیم"، گفت: "دولت در برابر شما هیچ تعهدی ندارد". و یا هنگامی که کارگران برای دریافت حقوق خود به نماینده شرکت مراجعه کردند، او گفت: "بروید از دولت بگیرید".

کارگران می‌گویند:

"ما رت و از خودمان می‌دانیم. ماضع کنونی دولت را خوب درک می‌کنیم. ما خوب می‌دانیم که باید دولت را از هر جهت تقویت کرد. و لسی ما که اضافه حقوق و یا چیز فوق العاده‌ای نخواستیم، ما تنها حقوق معمولی و عیب افتاده خود را می‌خواهیم. ما حتی حاضریم در شرایط کنونی به خاطر وضع فوق العاده دولت، ۵۰٪ از حقوق خود را دریافت کنیم. ما فقط می‌خواهیم مقداری پول دستمان بیاید که بتوانیم خرج زن و بچه‌هایمان و هزینه زندگی خانوادگی خود را تأمین کنیم. ولی متأسفانه آنطور که شایسته است به خواست‌های ما توجه نمی‌شود."

در یک کلام بطور مشخص پرداخت حقوق ماهانه کارگران واحد ما کار، در حالی که کارگران عموماً کمترین اندوختگی ندارند و فشار کمترین هزینه زندگی، آنها را از پای درمی‌آورد. کمترین خواستی است که از جانب آنان می‌تواند عنوان شود. در این حال، آنچه که کارگران به انقلاب خود ارضایی می‌دارند، به هیچ وجه در حساب نمی‌آید. بگویند است که بجرات می‌توان گفت کمترین هدیه به زحمتکاران به انقلاب، زندگی و هست و نیست خویش است.

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است!

با درود به همه کارگران زحمتکش
خواهران و برادران عزیز:
ما خورگه سدا سمد سدا
انقلاب کسای اداره مسکلت رتبه
مت گرسمه کلامت و سوان
عل مشکلات مردم ما کارگران
را راعدا تسیده و لسل ساسنها
و روشهای داورست آنها الا ان
قامه و مردم ما مشکلات و ساق
رما قی از جمله تورم، گرانی،
کسود، سسکاری، انحصار و سسکاری
و روشها، فرور و سسکاری
رما قی از جمله تورم، گرانی،
کسود، سسکاری، انحصار و سسکاری
و روشها، فرور و سسکاری

نشریه کارگران مسلمان صنایع کفش

بسیاری از واحدها زیر این عنوان نشریه و اعلامیه پخش می‌کنند و کارگران را به اعتصاب فرا می‌خوانند و نظام جمهوری اسلامی ایران را یکی از بدترین رژیم‌های تاریخ بشری خوانند و می‌گویند، در روزمه و استگنان این سازمان هستند؟

آنها که بنام «اسلام» در واحدهای تولیدی دشمنی بیچ حاکمیت کنونی در برابر خود نمی‌بینند، آیا داوطلبانه به کمک امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پیورده آن نشناخته‌اند؟

می‌گوید چه نتیجه‌ای جز ایجاد تشنج و تشدید فقره از انتشار آن حاصل می‌شود؟

بی‌هیچ تردید تنها ضد انقلاب پیورده امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا برند اصلی چنین برخوردی هابی است. تنها امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب کوشش فرمان این در این نشریه از زیر ضربه بیرون کشیده شده‌اند.

از آنجاکه نیروهای وابسته به "مجاهدین خلق" همه در واحدهای تولیدی عنوان "کارگران مسلمان" بر خود می‌نهند، درست و جلیاست "مجاهدین خلق" برای جامعه، زحمتکاران انقلابی و نیروهای هوادار خود روشن کند که آیا واقعا کسانی که

نوشته‌ای از نشریه‌ای را که به نام "نشریه کارگران مسلمان صنایع کفش-درفش" در کارخانه‌های گروه صنعتی کفش ملی پخش می‌شود، می‌بینید. در این نشریه، که ظاهراً به مسائل کارگری اختصاص دارد و خود را زبان گویای زحمتکاران می‌داند، زحمتکاران انقلابی و مسلمانان پیرو خط امام در میان کارگران "جاسوس" و "خبرچین" عنوان شده‌اند. رژیم انقلابی "مرتجع" لقب گرفته و از کارکنان خواسته می‌شود تا در برابر حاکمیتش "بعدها انقلاب..." اداره مملکت را بدست "گرفته و" "صلاحیت و توان حل مشکلات مردم" و "کارکنان را ندارد" متحد و یکپارچه به مبارزه برخیزند.

در این نشریه - کارگران مسلمان (!) - حتی کلامی علیه امپریالیسم آمریکا و توطئه‌های ضد انقلاب پیورده آن دیده نمی‌شود. اشاره به جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران خبری نیست، تا جرم رسد به محکوم

دهقانان مبارز در صف اول جبهه

می بینیم هر روز توپهای از جانب امپریالیسم آمریکا در ایران جیسده میشود. در پی همین توپها بود که رژیم صدام به خاک ایران حمله آورد و من نیز، مثل بقیه زحمتکشان، راهی جبهه شدم تا در مقابل امپریالیسم آمریکا از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع کنم.

دهقان مبارز درباره چگونگی رخی شدنش می گوید:

«مهر به جبهه کرمانشاه و از آنجا به اسلام آباد اعزام شدم و بعد از مدت کوتاهی در صف مقدم جبهه جای گرفتم. ماها را زمین و آسمان ۱۸ بهمن، درحله به تپه میگ، بعد از تصرف آن، از ناحیه بازخنی شدم. از نادر شیخ الاسلامی در سر راه، انتظارات کشاورزان از انقلاب می پرسیم می گوید:

«اولین خواسته ما کشاورزان الفای بزرگ مالکی و اجرای هرچه سریعتر

شش از ۶ ماه از آغاز تجاوز آمریکایی صدام می گذرد. اکنون دیگر برحمتان روشن است که توپها، مشترک امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه برای تجزیه ایران و سرکوب انقلاب، به سمت توده های زحمتکش میمانند. ما شکست و روبرو شده است. مردم ایران در این راه تاکنون هزاران شهید و مجروح باجگذاشته اند. در این میان دهقانان مبارز نیز در دفاع از انقلاب خویش، در اولین فرصت خود را به مراکز اعزام معرفی کردند و در صف مقدم نبرد علیه تجاوزگران صدامی قرار گرفتند. خسون دهها شهید دهقان مبارز با خون دیگر رزمندگان راه استقلال و آزادی میهن درهم آمیخته است و همچنان درخت انقلاب را آبیاری می کند. بسیاری از دهقانان نیز در این مصافحین حق و ساطل، پس از انقلاب و ضدانقلاب، پس میهن انقلابی و تجاوزگر صدامی - آمریکائی



نادر شیخ الاسلامی، کشاورز، اهل میانه، که در جبهه جنگ علیه تجاوزگران صدامی مجروح شده است.

بند "ج" است. اگر این خواست حقه اجرا نکرده، دهقان روی خوشبختی نخواهد دید. دیگر خواست ملایم است که دولت امکاناتی از قبیل ماشین آلات کشاورزی، کود، بوم و غیره در اختیار ما بگذارد. تا بتوانیم بیش تولید کنیم و پشت جبهه را نیز به کارزار نبرد علیه امپریالیسم آمریکا بدل کنیم. اگر چه انقلاب هنوز نتوانسته است به این خواستهای اساسی ما و دیگر زحمتکشان رسیدگی کند، ولی ما مطمئن هستیم که انقلاب مشکلات مستضعفین را حل خواهد کرد.

رخی شده اند. نادر شیخ الاسلامی، دهقان آذربایجانی، اهل میانه، یکی از آنها است. که در جبهه میگ از ناحیه، یا زخمی شده است، عکس او را در این صفحه چاپ میکنیم و ملاحظه کوتاهی را با او میخوانید.

نادر شیخ الاسلامی می گوید:

«سال قبل در ایران انقلاب شد، انقلابی صدامپرالیستی و مردمی. انقلاب ما به منافع حیاتی امپریالیسم آمریکا در ایران و منطقه صربه میانی وارد آورده است. به همین دلیل است که

دهقانان و دفاع از انقلاب، بزرگ مالکان و بسیج عشایری

که این شخص تا سجدهار روز قادر به حرکت نبود.

یکی از جوانان دابار نیز می گوید:

«در بسیج عشایری بودم، با تعدادی از روستاییان مشغول تیراندازی بودیم. یکی از مالکین سرپرست بسیج که اهل عثمانلو است پیش ما آمد و گفت که حرف است این فشنگها را به هدر ندهید. آن ها را برای نابودی این رژیم لازم داریم.

نکته دیگر اینکه، در روستای دابار ۱۲ خرابار زمین متعلق به شخصی است که خود وی در شهر سرپی برد و زمینها را بدون کتف رها کرده است و نه خود می کارد و نه به دیگران اجازه کشت آن ها را می دهد. مالکها به روستاییان گفته اند:

«ما اعتصاب کرده ایم، برای کی کشت میکنیم؟!»

در این ده و دیگر روستاهای سنجایی، مالکین و ابادی آنان شایع کرده اند که هر کسی که زمین مالک را گرفته است، او را بزدان خواهند انداخت.

در این روستا برق و حمام وجود ندارد. شورا هم تشکیل نشده است. لازم است که دهقانان هر چه زودتر نمایندگان خود را برای تشکیل شورا انتخاب کنند و در امر انتخابات با کمک نهادهای انقلابی چون جهاد سازندگی، نظارت و دفعتکند که بزرگ مالکان ابادی خود را به درون شورا نفرستند. این روستا فاقد مدرسه، راهمایی است و دانش آموزان همه روزه مجبورند ۶ کیلومتر راه تا کوزران را پیاده طی کنند.

روستاییان دابار در انتظارند که هشت هفت نفری هرچه زودتر به روستا بیاید و ریشه بزرگ مالکی را بطور کامل قطع کند.

او حرات هیچ اقدامی را ندارند. دهقانان مرفه، با بزرگ مالک مستکی و خوشاوندی دارند و اگر ماموری هم از شهر بیاید، آن ها اطرافش را می گیرند و نمی گذارند صدای ما به گوش آنها برسد. بزرگ مالک دو ماه زندان بود. در این مدت اهالی تصمیم گرفتند زمینهای وی را بین خود تقسیم کنند. با بیرون آمدن مالکها از زندان، امید خوشنشینها و کم زمینها قطع شد. راستش آزادی مالکین بطور کلی روستاییان را دلسرد کرد.

یکی دیگر از روستاییان اضافه می کند:

«بگذار قبل از اینکه مهاجمین به مرگ از سه آبادی به نام های سیاسی، اسدخانی و یاوروی است. در این روستا ۸۰ خانوار زندگی می کنند، که از میان آنان ۲۱ خانوار خوشنشین و ۵۹ خانوار کم زمین هستند. بزرگ مالک داباریکی از چهار متهمی است که روستاییان سنجایی علیه او راهبیمایی کردند. این بزرگ مالک محکوم به زندان شد و بعد آزاد گردید. شخص مذکور در روستاهای تخت گاه کجکینه، سفیدچیا، کلاه، ولی آباد، حسن خان و قیسوند که هم زمین داشت، بعد تمام روستاهای فوق اراضی "متعلق" به وی به روستاییان خوشنشین واگذار گردید. و تنها در روستای حسین خان ۴۰ هکتار زمین به بزرگ مالک رسید. اما در روستای دابار این بزرگ مالک ۲۹ هکتار زمین دارد، که هنوز دست نخورده مانده و واگذار نشده اند.

از اهالی دابار علت تاخیر در واگذاری اراضی بزرگ مالک به دهقانان تپیدت را جواب می شویم. یکی از آنان می گوید:

«دهقانان، که اکثری بی زمین هستند، از ترس بزرگ مالک و اطرافیان

در روستای "دابار" اراضی بزرگ مالک هنوز به دهقانان واگذار نشده است. او جز چهار متهمی است که روستاییان منطقه سنجایی علیه آن ها راهبیمایی کردند. روستاییان در انتظارند که اهالی اراضی هرچه زودتر واگذار شوند. روستاییان آماده اعزام جبهه هستند، لیکن از وجود بزرگ مالکان در بسیج عشایری نگرانند.

روستای دابار در ۶ کیلومتری شمال غربی کوزران، مرکز بخش سنجایی، از توابع اسلام آباد غرب است. دابار مرکز از سه آبادی به نام های سیاسی، اسدخانی و یاوروی است. در این روستا ۸۰ خانوار زندگی می کنند، که از میان آنان ۲۱ خانوار خوشنشین و ۵۹ خانوار کم زمین هستند. بزرگ مالک داباریکی از چهار متهمی است که روستاییان سنجایی علیه او راهبیمایی کردند. این بزرگ مالک محکوم به زندان شد و بعد آزاد گردید. شخص مذکور در روستاهای تخت گاه کجکینه، سفیدچیا، کلاه، ولی آباد، حسن خان و قیسوند که هم زمین داشت، بعد تمام روستاهای فوق اراضی "متعلق" به وی به روستاییان خوشنشین واگذار گردید. و تنها در روستای حسین خان ۴۰ هکتار زمین به بزرگ مالک رسید. اما در روستای دابار این بزرگ مالک ۲۹ هکتار زمین دارد، که هنوز دست نخورده مانده و واگذار نشده اند.

از اهالی دابار علت تاخیر در واگذاری اراضی بزرگ مالک به دهقانان تپیدت را جواب می شویم. یکی از آنان می گوید:

«دهقانان، که اکثری بی زمین هستند، از ترس بزرگ مالک و اطرافیان

در روستای "کلاه" گیوه "اراضی بزرگ مالک به دهقانان تپیدت واگذار شده است.

دهقانان این روستا آماده اعزام جبهه هستند و از اینکه بزرگ مالکان آن ها را برای شرکت در بسیج عشایری قرا خواهند ماند، بسیار ناراحت و نگرانند.

روستای کلاه کمبود در ۶ کیلومتری روانسر، یاوره قرار گرفته است. (۶۴ خانوار، ۲۲۰ خانوار خوشنشین) کل زمین بزرگ مالک ۶۰۰ خروار (۵۰ هکتار) است. این شخص در شهر نیز دارای منافع در آمد سرشاری است. از ۶۰ خروار زمین، ۴۰ خروار آن توسط هیئت هفت نفری و با حمایت و پشتیبانی خوشنشینان به دهقانانی تعلقی گرفت که بزرگ مالک در گذشته زمین آن ها را غصب کرده بود. ۲۰ خروار باقیمانده نیز بین ۲۲ نفر خوش نشین تقسیم

گردید که به هر یک ۸۰ تا ۱۰۰ من تعلق گرفت.

یکی از روستاییان درباره مکر و حیله بزرگ مالکان می گفت:

«چند وقت پیش ۲۳ نفر از اهالی این روستا با سندسازی زنی یکی از مالکین به اتهام تصرف زمینها بزرگان می افتند. در صورتی که طرف هیچ گونه حقی بر زمینها نداشتند و اصل زمینها از آن خود روستاییان بوده است. دادستان در این دعوی از دهقانان حمایت می کند و اعلام می دارد که دادگر بی ربی از این ۲۳ نفر بلایی بیاید، پدر مالک را درمی آورد.»

عدالت در اینجا به وظیفه انقلابی خویش با سر بلندگی عمل کرد.

دهقان دیگری در مورد اقدامی روستاییان زحمتکش در دفاع از انقلاب و اعزام به جبهه وحیله تازه، بزرگ مالکان می گفت:

"فوتوالها آمدند که برای بسیج برویم، توپم و تفنگم نمی خواهیم افتخارش نصیب شما شود. اگر لازم شد، با سادها میماند و بیما بگویند ما جانمان را فدای این انقلاب می کنیم."

عضو شورای ده شامیراد مرادی، نیز از وضع جاده گله دانت می گوید:

«این ۲ کیلومتر جاده بدو ما را در آورده است. برای این ۲ کیلومتر ناچاریم مسافت روانسر تا ده را که ۱۰ کیلومتر است ۲۰ تومان بدهیم.»

تجربه باید به ما آموخته باشد که بزرگ مالکان هیچگاه نمی توانند، دفاع انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران باشند. بزرگ مالکان خصم انقلابند، بزرگ مالکان در تمام توپخانه های امپریالیسم آمریکا شرکت فعال داشته و دارند. باید تمام زمینه های فعالیت مخرب بزرگ مالکان از میان برداشته شود.

اهالی روستای «رودبار سرای هشتر» طواش صمیمانه از اقدامات پیگیرانه شرکت برق منطقه ای تشکر می کنند

گفتند و با احساس مسئولیت نسبت به احیای مراحل مقدّماتی برق رسانی فربه استان بودند. تا جایی که در آستانه سال نو، کلمه "تشرای برق مستنده و آماده سیم کشی بود.

دهقانان روستای رودبار سرای هشتر صمیمانه از شرکت برق منطقه ای کیلان تشکر می کنند و بدین مناسبت ابرار امید کردند که سایر ارگان های مسئول کیلور نیز در جهت خواست های معقول مردم، با کمک خود آن ها پیگیر باشند.

دهقانان تاکنون می کنند که در این موقع که ما سرگرم سردی ایمان با امپریالیسم آمریکا هستیم، اگر بدین ترتیب عمل شود، علاوه بر رفع مشکلات مردم، به نفع عدت عناصر فرصت طلب و ضدانقلاب خواهد افتاد.

پرویش از مسئولان متعهد وزارت کشاورزی

که قیمت آنها افزایش یافته، در سطح استان های مختلف، چگونه است؟

۲- مالکیت اراضی مزروعی در استان های مختلف، که قیمت محصولات آن افزایش یافته، در دست کسب؟

۳- تخم آفات گردان، که قیمت آن صد درصد افزایش یافته، در کدام استانها و در کدام اراضی مزروعی کاشت می شود؟ مالکیت این اراضی در دست کسب و کدام فشر از افزایش قیمت مواد می برد؟

ما این شکل و در این شرایط، بطور کلی سود بزرگ مالکان و مستغذین ده که محصوراً برای بازار فروش تولید می کنند و سود و اطمینان تمام خواهد شد.

یعنی آنچه که دولت محصول را بخرد، بازود را زمینداران بزرگ و مستغذین ده خواهند بود.

باید نظر گرفتن این واقعات، برشرهای زیر مطرح می شود، که تا سسته است برابری آنها اندیشد:

۱- توزیع آن محصولات کشاورزی،

۲- اخبار روزنامهها نشان می دهد که سهای بارهای از محصولات کشاورزی در این روزها به میزان قابل توجهی افزایش یافته و واقعات گرایش افزایش قیمت سایر محصولات را نیز گواهی می دهد.

در عین حال بررسی های روستایی نشان می دهد که بیش از پنجاه درصد محصولات کشاورزی، که توسط دهقانان کم زمین تولید می شود، صرفاً برای مصرف خود آنها نگاری رود و وارد بازار فروش نمی شود. با کمتر به بازار عرضه می شود. به این ترتیب، افزایش قیمت

دهقانان!

برای دفاع از میهن خود، ز پر فرمان سپاه پاسداران مسلح شوید و
آمدگی خود را برای شرکت در نبرد به نهادهای انقلابی اعلام کنید

پاسخ به چند پرسش درباره هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

علی ابدل آنست که جانشینان شایسته و وارد تربیت شوند و در صورت لزوم ازین آنها برای عضویت در کمیته مرکزی و ادامه کاری در رهبری حزب، کاملاً آمادگی بدنامنا نیست که همه اعضای مشاور حتماً و خود بخود بدل به اعضای رسمی و کامل‌الحقوق کمیته مرکزی خواهند شد؛ این بسته به شایستگی و فعالیت آنها و نیازهای سازمانی حزب است و به آن معنا نیست که عضو تازه کمیته مرکزی نمی‌تواند از بین سایر کادرها و فعالین، که مشاور کمیته مرکزی باشد، برگزیده شود.

از فعالین و کادرها دارد، یا می‌خواهد آنها را بیشتر و وسیعتر با مصوبات خود، مستقیماً آشنا کند و بهیچ سیاست عملی حزب را به پیش‌پس، علاوه بر اعضای کمیته مرکزی و مشاورین، از یک‌سده از کادرهای بالا و فعالین برجسته یا مسئولین محلی و یا متخصصین مسائل ویژه (آهنگام که با پلنوم يك مسئله ویژه را بررسی کند) دعوت میکند تا، بعنوان میهمان، در جلسه عمومی (پلنوم) شرکت کنند، بدون آنکه خود حق رای داشته باشند. چنین مجمع عمومی کمیته مرکزی را با شرکت مسئولان و کادرها و فعالین دعوت شده، پلنوم وسیع می‌خوانند. چون این پلنوم از نظر شرکت کنندگان با پلنوم عادی فرق دارد و وسیعتر از آن است، واژه «وسیع» در برنازه انتخاب می‌شود.

فرق پلنوم با کنگره، بویژه در اینست که، از جانب کلیه اعضای حزب، که در سازمانهای محلی (استانها و شهرستانها) مستهلک شده‌اند، نمایندگان انتخاب و به یک کنگره فرستاده میشوند. البته دامنه اختیارات و صلاحیت کنگره، بنابر مقررات اساسنامه، بسیار وسیع است. کنگره عالی‌ترین مرجع حزب است و همه مسائل حزب را مورد بحث قرار میدهد و در همه موارد حق تصمیم‌گیری دارد و در آن به مشاورین ترجیح و اهمیت داده می‌شود. نمایندگان کنگره فقط برای مدت تشکیل کنگره اختیارنامه دارند و در ایند مدت تمام نظریات و عقاید خود را در کلیه زمینه‌ها بیان میکنند و باینکه نظر و عقیده اعضای حزب، از آنها را انتخاب کرده و به کنگره فرستاده‌اند، میشوند. البته اعضای حزب علاوه بر این می‌توانند مستقیماً نیز به کنگره مراجعه کنند و نظریات خود را کتابچه آن بدهند.

برای تشکیل يك کنگره معمولاً از قبل جلسات بحث و بررسی در درون حزب تشکیل می‌شود و اسناد به نظرخواهی عمومی گذاشته میشود و حاصل بحثها در تصمیمات کنگره در نظر گرفته میشود و واحدی از حزب در سطح شهرستانها و در سطح استانها به تشکیل کنفرانسها تدارک. نمایندگان را که میخواهند به کنگره بروند، مستقیم انتخاب میکنند. در کنفرانس حزبی نیز، که معمولاً درباره مسائل گرمی و مهم تشکیل میشود (گاه با حق اخذ تصمیم و گاه بکسرای شورتن) که نمایندگان سازمانها و واحدهای حزب، انتخاب شده و فرستاده میشوند و هم کادرها مسئولان دعوت میشوند. نمایندگان کنفرانس، هم عکس کنگره، از طریق انتخابات عمومی در سازمان حزب، از تالیان تا بالا، برگزیده میشوند، بلکه معمولاً سازمان حزب شهرستانها یا استان مربوط نمایندگان را به کنفرانس می‌فرستند.

در تاریخ حزب توده ایران پلنومهای وسیع‌نقش همی برای برگردن جای خالی کنگره‌ها و کنفرانسها اجرا کرده‌اند. کنفرانس وسیع چهارم (۱۳۳۶) و هفتم (۱۳۳۸) در واقع حکم کنفرانس سراسر کنسوری را داشتند و در آنها از واحدهای مختلف حزب نمایندگان شرکت کردند.

درباره اهمیت تاریخی پلنوم (وسیع) هفدهم در نامه ۹۴، شماره ۲۹ فروردین ۶۰، صحبت کرده‌ایم. در هر حال پلنوم کمیته مرکزی سیاست حزب را در مجموع یا در يك مسئله، بررسی میکند و رهنمودهای لازم را مستحکم و رهبری میدهد و اعضای حزب را با سیاست مدون واحدی مجبض میکند، گزارشهای

طی مدتی که از انتشار اطلاعاتی و اسناد هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی میگذرد، با عده نسبتاً زیادی از دوستان و هواداران حزب و خوانندگان نامه مردم برخورد کرده‌ایم که کلام دقیق از معنای واژه «پلنوم» لغات نشده و یا می‌رسند که آن کلمه وسیع داخل براتر است و به معنای وسیع‌تر می‌باشد. توضیح می‌دهیم که در «نامه» و «اسنامه» و غیره که در اسناد پلنوم ذکر شده، توضیحات در «نامه مردم» چاپ شده.

در اجابت این خواسته، در زیر درج کرده‌ایم از این مطلب توضیحاتی به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

واژه پلنوم بمعنای مجمع همگانی یا مجمع عمومی است و از ریشه لاتینی آمده و در زبانهای مختلف دنیا مرسوم شده است. هنگامیکه همه اعضای یک سازمان یا گروه رهبری کنند، یا مجمع گروهی می‌آیند، تا درباره مسائل مورد نظر بحث کنند و در حیطه صلاحیت خویش اتخاذ تصمیم کنند، آن مجمع را پلنوم می‌گویند. مثلاً در سازمان ملل متحد، هنگامیکه کلیه کشورهای عضو در جلسه عمومی گرد می‌آیند، آن جلسه را پلنوم یا مجمع عمومی می‌نامند. همین اعضای در کمیته‌های مختلف نیز، که در اساسنامه سازمان ملل متحد پیشین‌بینی شده، این پلنوم را پلنوم ملی می‌نامند. در پایان سازمان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا پلنوم آن تشکیل میشود و البته گاه - هر وقت ضرورتی اقتضا کند برای مسائل خاص پلنوم فوق-العاده یا مجمع عمومی فوق‌العاده (مخبرمان مثال برای بحث درباره مسئله خلع سلاح یا مسئله فلسطین وغیره) تشکیل میشود. مثال دیگر: در سازمانهای اداری و تعاونی و مالی وغیره هم می‌تواند به صورت پلنوم نامیده شود و در مواردی که از اجابت این امر است و مدیریت واحد مربوطه را عهده دارد. این از کارهای وقت جلسه عمومی تشکیل میدهد، آنرا پلنوم یا مجمع عمومی می‌خوانند. در اجازت سیاسی پلنوم یعنی جلسه عمومی ارگان رهبری کنندگان آن هنگامی که کمیته مرکزی، یعنی افراد عضو رهبری حزب (همه آنها با اکثریتی که مطابق با موازین اساسنامه‌های کلیه می‌توانند رسمیت پیدا کنند)، گرد می‌آیند، پلنوم تشکیل میشود. البته کمیته حزبی استان یا کمیته حزبی شهرستان نیز می‌تواند در همان سطح خود پلنوم کمیته استان یا پلنوم کمیته شهرستان را تشکیل دهند.

پس مجمع عمومی اعضای کمیته مرکزی و اعضای عده اعضای کمیته مرکزی را پلنوم می‌خوانند.

- بسته به وضع حزب، بسیار مختلف باشد. گاه در بیست‌نفر بیشتر نیستند و حتی گاه کمتر از این، گاه چندین‌ده نفر و حتی چندصده نفر. در اجازت مختلفه، در زمانهای مختلفه، این ارقام متفاوت است.

جلسات عمومی با پلنوم نیز در شرایط عادی و هنگامیکه مانعی برای تشکیل آن نباشد، فاعلاً و سالی یکبار، دوباره، سه‌بار تشکیل میشود، تااسفل مهم در حضور تمام اعضای رهبری به بحث گذارد و اصل رهبری جمعی را، که از اصول سازمانی مهم‌است، اجرا اجرا کند. ولی البته این فواصل الزامی نیست. گاه در اساسنامه‌های اجزاب براد این فاصله قید یا توضیح میشود. براتر شرایط دشوار فواصل کمی می‌تواند طولانی‌تر شود و یا هر گاه مسائل خاص و فوری پیش‌آید، که تبادل نظر کلیه اعضای رهبری را ضرورت میدهد، می‌تواند در فواصل کمتری تشکیل شود. هر گاه شرایط مساعد باشد و مشکلات ویژه‌ای در پیش نباشد، وظیفه مسلم کمیته مرکزی است که به موقع و در فواصل کمتر پلنوم خود را تشکیل دهد.

پلنوم می‌تواند مسایلی عمومی کشور و حزب را بررسی کند و يك گزارش عمومی را استماع کند و تا کنگره بعدی تغییرات ضرورت را در برنامه یا اساسنامه یا ترکیب رهبری، از طریق برگزینی موجود آورد. گاه پلنوم می‌تواند برای موضوعهای ویژه‌ای تشکیل شود که رهبری حزب بحث جداگانه آنرا ضرورت بداند. مثلاً در دستور کار پلنوم مسئله ملی، سیاست وحدت سازمانی، یا مسئله کشاورزی، یا مسائلی ایدئولوژیک و غیره قرار گیرد. در این دستور کار تنها آن مسئله ویژه مطرح است نه کلیه مسائل عمومی کشور و حزب. اجزای که در حکومت هستند و نیروی رهبری کننده، کشورهای سوسیالیستی را تشکیل میدهند، از این نوع پلنومها، که موضوع فرسود و ویژه دارند، زیاد پدید می‌آیند. اگرچه در اجزاب کومونیست و کارگری کشورهای سرمایه‌داری نیز چنین پلنومها، مثلاً برای فقط بحث درباره نحوه کار در بین روشنفکران، فقط بحث درباره مسئله سیاست خارجی و حفظ صلح، فقط بحث درباره انتخاباتی و پیشنهاد نامزدها و غیره تشکیل می‌دهند.

گاه این یا آن پلنوم اهمیت ویژه‌ای در حیات حزبی می‌یابد و تصمیمات مهمی در آن، به‌دست شرایط خاص و حساسیت لحظه، اتخاذ میشود، که در واقع پلنوم از يك تبادل نظر همه اعضای رهبری است و لذا تصمیم مربوطه ارزش تاریخی پیدا میکند. در تاریخ بسیاری از اجزاب براد چنین پلنومها پیوسته بوده است. رهبری حزب، گاه برای آنکه مسائل مهمی در دستور روز است و نیاز به تبادل نظر با عده بیشتری

فروردین ماه ۶۰ در تهران هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. خوانندگان گرامی اسناد و مدارک آنرا در نامه مردم خوانده‌اند. بزودی نیز سلسله مقالاتی در توضیح و تشریح برنامه حزب توده ایران - این سند اساسی حزب در «نامه مردم» انتشار خواهد یافت.

واژه پلنوم بمعنای مجمع همگانی یا مجمع عمومی است و از ریشه لاتینی آمده و در زبانهای مختلف دنیا مرسوم شده است. هنگامیکه همه اعضای یک سازمان یا گروه رهبری کنند، یا مجمع گروهی می‌آیند، تا درباره مسائل مورد نظر بحث کنند و در حیطه صلاحیت خویش اتخاذ تصمیم کنند، آن مجمع را پلنوم می‌گویند. مثلاً در سازمان ملل متحد، هنگامیکه کلیه کشورهای عضو در جلسه عمومی گرد می‌آیند، آن جلسه را پلنوم یا مجمع عمومی می‌نامند. همین اعضای در کمیته‌های مختلف نیز، که در اساسنامه سازمان ملل متحد پیشین‌بینی شده، این پلنوم را پلنوم ملی می‌نامند. در پایان سازمان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد یا پلنوم آن تشکیل میشود و البته گاه - هر وقت ضرورتی اقتضا کند برای مسائل خاص پلنوم فوق-العاده یا مجمع عمومی فوق‌العاده (مخبرمان مثال برای بحث درباره مسئله خلع سلاح یا مسئله فلسطین وغیره) تشکیل میشود. مثال دیگر: در سازمانهای اداری و تعاونی و مالی وغیره هم می‌تواند به صورت پلنوم نامیده شود و در مواردی که از اجابت این امر است و مدیریت واحد مربوطه را عهده دارد. این از کارهای وقت جلسه عمومی تشکیل میدهد، آنرا پلنوم یا مجمع عمومی می‌خوانند. در اجازت سیاسی پلنوم یعنی جلسه عمومی ارگان رهبری کنندگان آن هنگامی که کمیته مرکزی، یعنی افراد عضو رهبری حزب (همه آنها با اکثریتی که مطابق با موازین اساسنامه‌های کلیه می‌توانند رسمیت پیدا کنند)، گرد می‌آیند، پلنوم تشکیل میشود. البته کمیته حزبی استان یا کمیته حزبی شهرستان نیز می‌تواند در همان سطح خود پلنوم کمیته استان یا پلنوم کمیته شهرستان را تشکیل دهند.

پس مجمع عمومی اعضای کمیته مرکزی و اعضای عده اعضای کمیته مرکزی را پلنوم می‌خوانند.

- بسته به وضع حزب، بسیار مختلف باشد. گاه در بیست‌نفر بیشتر نیستند و حتی گاه کمتر از این، گاه چندین‌ده نفر و حتی چندصده نفر. در اجازت مختلفه، در زمانهای مختلفه، این ارقام متفاوت است.

جلسات عمومی با پلنوم نیز در شرایط عادی و هنگامیکه مانعی برای تشکیل آن نباشد، فاعلاً و سالی یکبار، دوباره، سه‌بار تشکیل میشود، تااسفل مهم در حضور تمام اعضای رهبری به بحث گذارد و اصل رهبری جمعی را، که از اصول سازمانی مهم‌است، اجرا اجرا کند. ولی البته این فواصل الزامی نیست. گاه در اساسنامه‌های اجزاب براد این فاصله قید یا توضیح میشود. براتر شرایط دشوار فواصل کمی می‌تواند طولانی‌تر شود و یا هر گاه مسائل خاص و فوری پیش‌آید، که تبادل نظر کلیه اعضای رهبری را ضرورت میدهد، می‌تواند در فواصل کمتری تشکیل شود. هر گاه شرایط مساعد باشد و مشکلات ویژه‌ای در پیش نباشد، وظیفه مسلم کمیته مرکزی است که به موقع و در فواصل کمتر پلنوم خود را تشکیل دهد.

چاپ جدید
تقویم
سال نو
۱۳۶۰
بزودی منتشر میشود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

ایفا خواهد کرد. ما به این مطلب ایمان داریم که نیروهای ارجاع، ملیتاریستی و غارتگران استعماری، هر قدر هم به تلاش و تب و تاب بکنند، امر آزادی و ترقیات اجتماعی خلقها جدائی‌ناپذیرند. به هم پیوستگی و اتحاد سوسیالیستی جهانی، چنین کارگری جهانی و نیروهای رهبری ملی و ژئیه بی‌رزنی نهایی این امر است.

حکومتی استوار را که با امپریالیسم مبارزه بخاطر نوسازی دمکراتیک در روابط اقتصادی بین‌المللی و البته مبارزه مستمر علیه توسعه طلبی ایدئولوژیک امپریالیسم، علیه کومنیسم ستیزی و شوروی ستیزی، که بساری استعار خلطی تجارز کارانه‌نو استعماری از آن بهره‌برداری میشود.

۳- مانند گذشته و حتی به‌درجات فزاینده‌ای، اقدامات مشترک اجزاب حاکم در کشورهای سوسیالیستی، اجزاب کومنیست، کشورها دیگر و اجزاب پیشاهنگ در کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی و تمام نیروهای قرق‌خواه کشورهای نواستقلال، در حل مسائل بنیادی رشد و تکامل جهان، نقش عظیمی

با دقت متوجه آمد که چگونه این کشورها رشد می‌یابند و تاجرب آنها را می‌آموزند. به همین علت، گزینش راه پیشرفت اجتماعی آینده خلق‌های که در گذشته زیر اسارت بوده‌اند، سرشود تاریخی آنان و به‌طور کلی استحکام مواضع فکری امپریالیستی، به مقیاس جهانی، به‌درجات زیادی بیه پیشرفت موفقیت‌آمیز این کشورها بستگی دارد.

از سخنانی که گفته شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

۱- برای تاین صلح و ترقیات اجتماعی، تشریک مسایلی وحسن-فهم متقابل نیروهای سوسیالیستی، جنبش کارگری کشورهای سرمایه‌داری و نیروهای رهبری بخش مسلی ضرورت است. تشریک مسایلی آنان در امر

امر آزادی... بقیه از صفحه ۶

که بی‌بهره نسخه‌برداری از نمونه‌های کشورهای سوسیالیستی نیست. راه‌های گذار به سوسیالیسم اشکال گوناگون دارد. تجارب کشورهای دارای سنت کبیری سوسیالیستی، شبه‌وهایی نویسن تحولاتی را، که به‌اسکلتوریست‌های مشخص و ویژگی‌های ملی باشند، پدید آوردند و پدید خواهند آورد. ما از این جبهه مطالب زیر را خاطر نشان کردیم:

استحکام همه‌جانبه کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی و کشورهای سرمایه‌داری که راه ساختمان سوسیالیستی را در پیش گرفته‌اند، حائز اهمیت بسیار فوق‌العاده‌ای است. خلقهای بسیاری از کشور - های آزاد شده از بندهای استعمار،

اعلامیه دو تن از مسئولان حزب دمکرات کردستان ایران (گروه قاسملو):

هیچ چیز خطرناک‌تر از فریب توده‌ها نیست

عبدالرحمن کریمی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (گروه قاسملو) و مسئول سیاسی و نظامی منطقه ترگور و هرگور، و رحمان یریوتی عضو کادر سیاسی و نظامی حزب دمکرات در منطقه پیرانشهر و اشنوویه، در تاریخ ۲۴ اسفند ۶۹، طی اعلامیه‌ای خطاب به مردم پیرانشهر، اشنوویه، قلند، و ترگور و هرگور، یادگیری کرده از خیانتها و جنایت‌های پانده قاسملو برداشتند. در این اعلامیه خطاب به مردم مبارز پیرانشهر، اشنوویه، قلند، ترگور و هرگور، از جمله آمده است:

«دانه خیانت و جنایت که مرکب از مشت‌های ماموران سیا و ناتو، نوکران رژیم جنایتکار، افسران طاغوتی و زمینداران منطقه هستند، از هیچ‌گونه تلاش ناچوارانه بر علیه نیروهای مرفی، انسان‌های صادق و پیرو برنامه حزب دوگردان نیستند و علیه چپ‌گرایی و رعب و وحشت به شیوه سازگ با شیوه‌سازی و شایعه‌پراکنی مشغول هستند و هیچ همت و برجستگی ناروایی نموده اند که بر ما وفاداران به‌منشی سنتی و امیل حزب زنند. این مزدوران بخت و ناتو در منطقه با تحریک جناس ناآگاه کوشیده و می‌کوشند تا اعضای صادق حزب و پیشمرگان آگاه را با بازی خوردگان رود رو قرار دهند و در گیرسازند تا با ایجاد بلوا و خون‌ریزی هم اوامر اردابان‌بختی را اجرا کرده و هم مدتی دیگر به‌هم ننگین چماق و سر نیزه خود ادامه دهند...»

شادباش سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان به‌مناسبت برگزاری پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان به‌مناسبت برگزاری پلنوم هفدهم (وسیع) کمیته مرکزی، پیام شادباشی به کمیته مرکزی حزب فرستاده است. در این پیام چنین آمده است:

دردهای گرم و رزمجویانه ما را به‌خاستن برگزاری پلنوم هفدهم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بیدار کرد. رفقا در زمانی که خلق‌های ایران دوران تاریخی سرزشت‌سازی را در زندگی خود می‌گذرانند، بی‌گمان مسویات پلنوم هفدهم (وسیع) مرحله نوبتی را در مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان راهگشا است.

ما بخود می‌بایم که در دامان حزبی پرورش یافته و بی‌بایم که ادامه‌دهنده راه اروانی است و چهل سال است که، برای استقلال، آزادی و دگرگونی بنیادی جامعه ایران مبارزه کرده و می‌کنیم و به‌حق حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران نام گرفته است.

ما اعضاء و هواداران حزب توده ایران در خوزستان عهد می‌بندیم که با ایمانی راست بتوانیم در مبارزه‌خستگی‌ناپذیر حزبمان به خاطر تقییت، تحکیم و گسترش انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی، سهم خود را به‌طور شایسته ادا کنیم.

زنده‌باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! پایدار باد همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با حزب توده ایران!

۶۰۰۲۲

انقلابی است، نه راه هستگری و متحدشدن با ضدانقلاب، لیرالهار مانویستی‌های مطرود. اساسنامه حزب نظامنامه داخلی است و اجازه ورود شبکه افسران طاغوتی و همکاران بختیار و اویسو فئودالها و زمینداران بزرگ - مزدوران‌بخت‌عراق و سلاوکیها به حزب را نمی‌دهد. اما اینک مهمترین سببهای حساس به دوستان ناتو و همکاران رژیم‌جنایتکار بخت‌عراق و افسران وابسته به‌بختیار و اویسو و سلاوکیها و اگذار شده است.

اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح در هاوانا

۲۵۰ نماینده از ۲۰ کشور و بیش از ۲۰ سازمان بین‌المللی برای شرکت در اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح وارد هاوانا شدند.

آمریکا در دیه‌گوارسیا کلاهک هسته‌ای مستقر میکند

روزنامهٔ پرریپرست چاپ فضا، با استناد به منابع مطلع خبر داد که آمریکا بطور مخفیانه سلاح هسته‌ای در جزیره دیه‌گوارسیا در اقیانوس هند، مستقر می‌کند. طبق گزارش این روزنامه، تاکنون ۱۹ کلاهک هسته‌ای به این پایگاه آمریکایی منتقل شده است.

منگ‌سامرین در روز ملی کامپوچیا با کمک‌های شورهای سوسیالیستی ارتباط ناگستنی دارد

به‌مناسبت روز ملی کامپوچیا اجتماع عظیمی با شرکت‌کنندگان منگ‌سامرین رئیس‌شورای انقلابی کمبود دینونین برگزار شد. منگ‌سامرین در این مراسم ضمن سخنرانی تأکید کرد که مردم کامپوچیا در مدت کوتاهی بعد از سقوط داروسته ولایت موفقیت‌های قابل‌ملاحظه‌ای بدست آورده‌اند. او افزود: «این موفقیت‌ها با کمک‌های بی‌پایان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناگستنی دارد».

انبار بزرگ ...

ملاطحه‌ای به افراد ارتش تجارزگر عراق وارد شد. در جبهه‌حمیدیه مبارزات ما ادوات زرهی و نفرات دشمن را زیر آتش سلاح‌های سنگین خود قرار دادند و مواضع آنان را بشدت دردم کوبیدند. شهرستان‌های اهاواز و آبادان مجدداً هدف آتش توپخانه و سلاح‌های سنگین دشمن واقع شد این حملات ناچوارانه تلفات جانی و خسارات مالی نیز بار آورد. در منطقه خونین شهر مبارله آتش بین نیروهای ما و متجاوزان ادامه داشت و شایعات و تلفاتی به دشمن وارد آمد که آمار دقیق آن در دست نیست. در اثر اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع دشمن در منطقه واسلیه یک نفربر و یک تیربار منهدم و چهارتن کشته شدند.

خاتم گاندی نگرانی خود را از استراتژی نظامی غرب در منطقه اعلام کرد

مذاکرات تاجر نخست‌وزیر انگلستان در جریان دیدار خود از هند در یک کنفرانس مطبوعاتی به بررسی اوضاع السالوادور و سیاست جنگ‌افروزان ایالات متحده آمریکا در آمریکای مرکزی و منطقه کارائیب خواهد پرداخت.

به گزارش خبرگزاری‌ها خاتم گاندی نخست‌وزیر هند پس از مذاکرات خود با خاتم تاجر نگرانی جدی خود را از استراتژی نظامی غرب در آن منطقه ابراز داشت.

ایندیرا گاندی نسبت به افزایش خطر جنگ هشدار داد

بانو ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر هند، ضمن بیانایی در بمبئی، به‌مناسبت تشدید تنش در جهان، اظهار نگرانی کرد و گفت: در حال حاضر خطر بروز جنگ جدید افزایش یافته است. وی افزود که هند سیاست عدم تمدد را بر گرفته تا با کاهش اختلافها و تصادمات در جهان کسک کند.

تجاوز وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان

شیخ‌وزان نخست‌وزیر لبنان، کوله‌باران بندر سیدا در جنوب لبنان را توسط توپخانه ارتش اسرائیل و راست‌گرایان مسلح، تجاوز وحشیانه خواند. در جریان عملیات مزبور، بیست‌تن از اهالی جنوب لبنان کشته و بیش از ۳۰ تن زخمی شدند. در این حملات خسارات مالی فراوانی به بندر سیدا وارد شد. اسرائیل مدعی است با استفاده از گروهبانی راست‌گرایان سنجیح، دانشه‌عملیات خود را در جنوب لبنان افزایش داده است.

روزنامه‌های جهان

موج اعتراض به ایشغال ایرلند توسط انگلیس

در دبی، یکی از شهرهای ایرلند شمالی، یک ماشین ارتش انگلیس به میان تظاهرکنندگان رفت و باعث کشته شدن دو نفر و مجروح شدن چند نفر گردید. این تظاهرات به نشانهٔ اعلام همبستگی با زندانیانی که در انگلستان بسر می‌برند، برپا شده بود. زندانیان مزبور در مقامات انگلیسی خواسته‌اند که با آنان مانند زندانی سیاسی رفتار شود. همچنین در شهر بلفاست و دیگر شهرهای ایرلند شمالی نیز تظاهراتی به‌نشانهٔ اعتراض به ایشغال ایرلند توسط انگلیس صورت گرفت.

پداز دیدار با تاجر: خاتم گاندی نگرانی خود را از استراتژی نظامی غرب در منطقه اعلام کرد

مذاکرات تاجر نخست‌وزیر انگلستان در جریان دیدار خود از هند در یک کنفرانس مطبوعاتی به بررسی اوضاع السالوادور و سیاست جنگ‌افروزان ایالات متحده آمریکا در آمریکای مرکزی و منطقه کارائیب خواهد پرداخت.

پایه از صفحه ۱

ملاطحه‌ای به افراد ارتش تجارزگر عراق وارد شد. در جبهه‌حمیدیه مبارزات ما ادوات زرهی و نفرات دشمن را زیر آتش سلاح‌های سنگین خود قرار دادند و مواضع آنان را بشدت دردم کوبیدند. شهرستان‌های اهاواز و آبادان مجدداً هدف آتش توپخانه و سلاح‌های سنگین دشمن واقع شد این حملات ناچوارانه تلفات جانی و خسارات مالی نیز بار آورد. در منطقه خونین شهر مبارله آتش بین نیروهای ما و متجاوزان ادامه داشت و شایعات و تلفاتی به دشمن وارد آمد که آمار دقیق آن در دست نیست. در اثر اجرای آتش توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر روی مواضع دشمن در منطقه واسلیه یک نفربر و یک تیربار منهدم و چهارتن کشته شدند.

نامه مرموم
آنگاه مرکزی حزب توده ایران

دردانه امتیاز
مدیر مسئول:
موتیچر پیرزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۱۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 492
21 April 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همهٔ مقامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به‌آدرس زیر به «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۹، منطقه ۱۴ پستی تهران

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!